

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پنج شنبه ۱۶ جنوری ۲۰۲۰

ناتور رحمانی

نینواز

همسایه ی داشتیم

جوان عاشق پیشه ی شیدا

شب های مهتابی

نالاه ی حزین نی وی

در تمام محله می پیچید

و قصه ی تمام دل های عاشق را

تکرار می کرد

مهتاب می تابید

و بر در و بام

گرد نقره می پاشید

آنگاه دل در بر جوانان عاشق

شب زنده داران بیقرار

می تلپید

و دریغ که برگشته چنین شد

دگر صدای نی آن شوریده حال

در محله شنیده نشد

دگر مهتاب نتابید

و در تاریک ترین شب بی ستاره





که مهتاب را هم دزدیده بودند
نی خون آلود
روی سینه ی سوراخ سوراخ
آن شیفته ی زیبایی از صدا ماند
همسایه ها زار گریستند که
سینه ی پُر آرزوی آن جوان را
پدیده ای منفور انتحاری
تحفه ی بی خردی و جهل
بوسیله ی تازی وش فاشیست
سوراخ سوراخ کرد
بی خردی که با کشتن و خودکشی
می خواست به حوری برسد
چه دردناک و دشوار است
تحمّل این ماتم ، این آدم کشی ها
به دست بی خرد ترین
فریب خوردگان مزدور
بی مغزانی که با سازش و معامله
با خیال رفتن به بهشت موهوم
و با رویای دست یافتن به هفتاد و دو حور
خون کسان می ریزند
تا ناکسان بر سریر قدرت باشند
و فاشیزم مذهبی
سیرآب از خون گردد
این حکایت ماتم یک از هزاران است
(ناتور نهاد)